

## خاستگاه تاریخی شیرین

دکتر محمد غلامرضایی<sup>۱</sup>

یاسر فراشاهی نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

شیرین بی گمان شخصیتی تاریخی است. اما محققان به تمام زوایای شخصیت تاریخی او نپرداخته اند. مورخان ایرانی و عرب نگاه چندان مثبتی به او ندارند، یا او را کنیزی بی مقدار می‌دانند یا قاتل شیرویه، اما با یافت شواهد تاریخی جدید، مسلم شده است که او مهمترین همسر خسرو پرویز بوده است و به نظر می‌رسد مورخان نزدیک به عهد ساسانی، به علت مسیحی بودن شیرین نظر مثبتی به او نداشته‌اند. همچنین تحقیقات مورخان متاخر نشان داده است که شخصیتی به نام مریم، دختر پادشاه روم، تاریخی نیست و احتمالاً مریم بعدی از ابعاد شخصیت شیرین است و به نظر می‌رسد روایات تاریخی این دو با هم خلط شده است. در این مقاله برآنیم تا با تکیه بر متون تاریخی ابتدا نگاهی بیندازیم بر اصالت، مذهب و زادگاه شیرین و سپس نوع آشنایی شیرین با خسرو و شباهت‌های شیرین با دیگر شخصیت‌های داستانی را بررسی و تحلیل نماییم

**واژگان کلیدی:** زادگاه شیرین، اصالت شیرین، مریم رومی، شکر اصفهانی

### مقدمه

تا کنون تحقیقات فراوانی به صورت کتاب و مقاله در مورد شیرین منتشر شده است. محققانی چون ثروتیان، کامل احمدنژاد، منصور ثروت، محمد غلامرضایی و استاد زرین کوب و... تا حدودی به این شخصیت پراخته اند. در مورد جایگاه تاریخی شیرین، کامل احمد نژاد مطالبی را در کتاب تحلیل آثار نظامی متذکر شده است که البته کامل و جامع نیست. پس از او دکتر زرین کوب در کتاب پیرگنج در جستجوی ناکجا آباد مطالب قابل توجهی در مورد جایگاه تاریخی شیرین نقل کرده است. هر چند تحقیقات این استاد ارجمند بسیار ارزشمند است، اما هنوز زوایای پنهانی از شخصیت او وجود دارد که بر اساس برخی متون قابل بررسی است.

شیرین در غزل فارسی چنان محبوب است که گویی به صورت سمبلی از معشوق در آمده است. عارفان و شاعران ما غالباً نگاه مثبتی به او دارند و این نشان از مثبت بودن شخصیت او در میان روایت‌های عامیانه است، هر چند برخی مورخان چندان به او خوش بین نبوده‌اند. داستان‌ها و ابیاتی که در مورد شیرین سروده شده در ادبیات فارسی فراوان است و این خود عاملی است که توجه پژوهشگران را به ابعاد تاریخی زندگی او جلب می‌کند. نگارنده نیز در این مجمل کوشیده است تا به گوشه ای از زوایای پنهان این شخصیت بپردازد.

### ۱- زادگاه، مذهب و اصالت شیرین

بی گمان شیرین شخصیتی تاریخی است، اما تمام ابعاد شخصیت او شناخته نشده است. افسانه‌ها، قصه‌های عامیانه و روایت‌های تاریخی چنان به هم آمیخته‌اند که هنوز شخصیت او مبهم است. نظامی و برخی مقلدانش شیرین را به اوج می‌برند، اما برخی مورخان و حتی شاعران، نظر مثبتی در مورد او ندارند. روایات تاریخی در باب او یک دست نیست و گاه ضد و نقیض است، حتی در مورد اصالت و زادگاه او.

یکی از محققان می‌نویسد: «موبدان چندان از بازگشت خسرو که در سال ۵۹۱ اتفاق افتاده شادمان نشدند، زیرا این پادشاه از روم این ارمغان را به همراه داشت، که نسبت به او هام و خرافات نصارا میلی حاصل کرده بود و مؤید او در این عقاید زنی عیسوی شیرین نام بود، که سوگلی حرم او گردید» (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۳۱۸). جمال زاده نیز اشاره می‌کند که آشنایی شیرین و خسرو در قسطنطنیه، آن زمان که خسرو به آنجا رفته بود تا از قیصر بر ضد بهرام چوبین یاری بگیرد، اتفاق افتاده است (جمال زاده، ۱۳۷۲: ۳۹۹).

۱- استاد دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه هرمزگان

پس چرا داستانسراییانی چون نظامی او را ارمنی دانسته اند؟ آیا دلیل این امر این است که او مسیحی است و از دیرباز بنابر اعتقادی عامیانه مسیحی را معادل ارمنی می‌دانند؟ این نیز حدس و گمانی بیش نیست. کریستن سن می‌گوید چون شیرین عیسوی بوده برخی مورخان غربی و شرقی او را از یونانیان دانسته اند، اما اسم او ایرانی است و بنابر قول سبئوس - مورخ بزرگ ارمنی - شیرین از مردم خوزستان بوده است (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۳۴). زرین کوب معتقد است شیرین زنی عیسوی از اهل خوزستان و یا دشت میشان بوده است و نظر مورخ بیزانس تئوفیلاکتوس هم که شیرین را رومی الاصل می‌خواند منافاتی با نظر قبل ندارد و ممکن است که شیرین از رومیان مسیحی مقیم دشت بوده باشد (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۹۸). همچنین برخی محققان اشاره می‌کنند که برخی گفته‌اند شیرین یا سیرا زن مسیحی آرامی (سریانی) خسرو پرویز بوده است (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۱۷۵). با این شواهد اصلیت او اندکی قابل تردید است. اما گویا مورخان جدید در مسیحی بودنش شک نکرده‌اند (فرای، ۱۳۸۷: ۲۶۳). بنابراین رومی الاصل بودنش محتمل‌تر است. آیا این زن ایرانی یا آرامی یا رومی، زنی نژاده و اصیل بوده است یا کنیزی بی مقدار؟ بازهم روایاتی وجود دارد که هر دو فرض را تأیید و تکذیب می‌کند. در شاهنامه شیرین چندان خوش نام نیست و از نژاد بزرگان معرفی نشده است (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۱۷۱). بلعمی نیز شیرین را کنیز خسرو می‌داند (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹۰). اما از سوی دیگر در کتاب اخبار الطوال آن هنگام که شیرویه خسرو را عزل کرده است و نامه ای تحقیر آمیز برایش فرستاده، خسرو پرویز در بخشی از جواب نامه او از شیرین به عنوان همسرش نام برده است (دینوری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). مورخان با استناد به نامه‌ای که از سوی خسرو به یکی از امکنه مقدس امپراطوری روم فرستاده شده است، اثبات کرده‌اند که شیرین همسر خسرو بوده است. (نولدکه، ۱۳۸۸: ۳۰۵). پس نمی‌توان او را کنیزی بی مقدار و بی اصل و نسب دانست. شیرین در این نامه با نومی ایران دانسته شده است و بعید است علت این امر تنها زیبایی او بوده باشد. اما برخی او را کنیزی بی مقدار دانسته‌اند و فردوسی و ثعالبی هم نظر مثبتی در مورد او ندارند. شیرین بی شک زنی مسیحی بوده است و همچنانکه می‌دانیم ادیان غیر زرتشتی در زمان ساسانیان که اوج تعصبات مذهبی مغان زرتشتی است، چندان مورد قبول ایرانیان و مخصوصاً مغان متعصب دربار نبوده است. همچنین با یافته‌های باستان شناسانه ی جدید، مشخص شده است که خسرو به علت همسر مسیحش از سوی مغان زرتشتی به بددینی متهم شده است. برای مثال برخی محققان بر این باورند که چون وی از جانب مردم، اشراف و بزرگان متهم به بد دینی شده است، به جهت عوام فریبی در نقش برجسته‌های طاق بستان از اهورا مزدا و آناهیتا حلقه شاهی دریافت کرده است و پایبندی خود را به مقدسات مردم نشان داده است (شهره جوادی، ۱۳۸۵: ۵۰). باید توجه داشت این رسمی بوده است که بیش از دو قرن به فراموشی سپرده شده بود (همان: ۴۰). اما گویا این اتهام بسیار موقعیت خسرو را به خطر انداخته بود. حتی می‌توان تصور کرد که خاطره عزل کیقباد ساسانی توسط مغان به علت گرایش او به آیین مزدک، خسرو را هراسان کرده بوده است، زیرا این داستان تنها به طاق بستان ختم نمی‌شود. خسرو همینکه حکومت را دوباره به دست گرفت، مشروعیت خود را از طریق طرح عقاید جزمی زرتشتی بر روی سکه‌ها بازیافت (تورج دریایی، ۱۳۸۲: ۳۴). و حتی کلمه فرّۀ را نخستین بار بر روی سکه‌ها به کاربرد (همانجا). با این شواهد مشخص می‌شود که شائبه مسیحیت و انتساب به آن حتی از محبوبیت سایه خدا در زمان ساسانیان می‌کاسته است. پس چندان هم دور از انتظار نیست که مورخان به چنین زنی که بی شک مسیحی بوده، روی خوش نشان ندهند، هم او را کنیزی بی مقدار بدانند و هم آنچنان که در ادامه خواهد آمد قاتلی بی رحم.

از دیگر مسائلی که میتواند در مورد اصالت شیرین به ما یاری رساند، داستان بنا شدن قصر شیرین است. برخی محققان ساخته شدن قصر شیرین را در زمان دوری شیرین از خسرو چندان درست نمی‌دانند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۰۰). اما به هر روی بعید نیست که خسرو آن را برای همسر محبوبش بنا کرده باشد. در عجایب المخلوقات، داستان ساخته شدن این قصر اینگونه روایت شده است «ابرویز شراب خورد و مست شد. زن وی شیرین را گفت چه حاجت داری؟ گفت قصری بکن از بهر من در اینجا، دو نهر بکن در یکی خمر صافی و در یکی شیر. گفت بکنم.

چون هوشیار شد، فراموش کرد. شیرین فهلبد مغنی را گفت وی را یادآور. وی غنایی بگفت: وی را یاد آمد. بفرمود تا قصری بکردند و جویی را از سنگ بکرد و شراب در آن روان کرد و آن را قصر شیرین گویند و این شیرین زنی بود با نسب عالی» (طوسی، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

در این روایت هم به قصه ساخته شدن قصر اشاره و هم بر خلاف بلعمی شیرین زنی با نسب عالی دانسته شده است. گویا هر چند از زمان ساسانیان دورتر می‌شویم محبوبیت شیرین نزد نویسندگان افزون می‌شود. در کتاب تقویم البلدان نیز از قصر شیرین سخن رفته است. در این کتاب آمده است که شیرین تابستان‌ها به این قصر می‌رفته است و نگارنده این کتاب آن قصر را در حد عراق دانسته از جانب مشرق (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۳۵۱). هر چند ممکن است که شیرین صاحب قصری بوده باشد، اما اینکه نظامی شیرین را صاحب تاج و تخت خوانده است نمی‌تواند درست باشد (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۹۸). چنان که پیشتر اشاره شد، این احتمال وجود دارد که شیرین زنی اشرافی و نژاده بوده باشد اما شواهدی بر پادشاه بودنش موجود نیست، او تنها در یک متن پهلوی شاه زنان خوانده شده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۰۵) که به نظر می‌رسد به علت همسری خسرو این لقب را به او داده بوده‌اند.

غلامحسین یوسفی معتقد است که داستان خسرو و شیرین از قرن چهارم به بعد وسعت و دگرگونی یافته و وقتی به دست نظامی رسیده او نیز تغییراتی در آن داده است (یوسفی، ۱۳۶۹: ۱۷۲). بنابراین اگر تصور کنیم که نظامی یا قصه سازان قبل از او برای بالاتر بردن شخصیت شیرین و برابر کردنش با خسرو در داستان، او را شاهزاده ارمنی دانسته‌اند، چندان بیراه و دور از ذهن نیست.

## ۲- آشنایی شیرین با خسرو

آشنایی شیرین با خسرو نیز به درستی مشخص نیست. منابع مختلف روایت‌های مختلفی به دست می‌دهند. هرچند اکثر مورخان اشاره مشخصی به این مسئله ندارند. ثعالبی مانند فردوسی می‌گوید که خسرو و شیرین باهم دوست بودند و خسرو به علت مشکلاتی که با بهرام چوین داشت، مدتی از شیرین غافل شد و بعد از دیدن مجدد شیرین با او ازدواج کرد. (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۳۹). اما روایات دیگری نیز وجود دارد. در کتاب سرح العیون ابن نباته روایت جالب توجهی در مورد آشنایی شیرین با خسرو ذکر شده است:

«هی شیرین زوجه ابرویز بن هرمز، من ولد کسری انوشیروان، و کانت یتیمه فی حجر رجل من اشراف المدائن، و کان ابرویز صغیراً یدخل منزل ذلک الرجل، فیلاعب شیرین و تلاعبه، فأخذت من قلبه موضعاً فنهاها عنه ذلک الرجل فلم تنته، فرأها و قد أخذت فی بعض الايام من ابرویز خاتماً فقال لبعض خواصه اذهب بها الی دجله فغرقها، فأخذها و مضی، فقالت له: ما الذی ینفعک من تغریقی؟ فقال انی حالف ولاخالف مولای. فقالت: اقدفنی فی مکان رقیق فان نجوت لم اظهر، وبرت یمینک ففعل (ابن نباته، ۱۴۱۹: ۸۱).

چنان که مشخص است در این متن شیرین دختری یتیم دانسته شده که در خانه مردی از اشراف مداین زندگی می‌کرده است. پرویز از کودکی به آن خانه راه پیدا کرده است. مرد صاحب خانه همیشه از شیرین می‌خواست که از پرویز دوری کند اما شیرین توجهی نمی‌کند، تا اینکه روزی صاحب خانه می‌بیند که پرویز انگشتری به دست شیرین می‌دهد، صاحب خانه عصبانی می‌شود و از شخصی می‌خواهد که شیرین را غرق کند، اما شیرین با زیرکی خود را نجات می‌دهد. علاقه خسرو به شیرین از کودکی، چنان که در اینجا ذکر شده بی‌شبهت به داستان لیلی و مجنون نیست، و ممکن است تأثیری از همین داستان باشد. ابن نباته همچنین اضافه می‌کند که وقتی خسرو شاه می‌شود، پادشاه روم رسولی به نزد خسرو می‌فرستد، در راه این فرستاده به دیر شیرین می‌رسد. شیرین به او می‌گوید خسرو را از مکان من مطلع کن، او چنین می‌کند و بعد خسرو با شیرین ازدواج می‌کند (همانجا). میرخواند نیز روایتی مشابه این داستان در مورد شیرین نقل کرده است (مشکور، ۱۳۶۷: ۱۰۳۵). البته باید توجه داشت که این روایت کاملاً صبغی عامیانه دارد و چون به متون تاریخی می‌نگریم، در می‌یابیم که جزئیات آشنایی شیرین و خسرو مشخص نیست و نویسندگان و شاعران چون حقیقت را در نیافته‌اند ره افسانه زده‌اند.

### ۳- شباهت شیرین با دیگر شخصیت‌های نیمه تاریخی و داستانی

از نوع آشنایی شیرین با خسرو که بگذریم شباهت شیرین با برخی شخصیت‌های نیمه تاریخی و داستانی قابل تأمل است. برخی شخصیت او را در داستانها-به ویژه در روایت نظامی- برگرفته از ویس می‌دانند. (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۲۰۴). اما شاید بیشترین شباهت او با مریم باشد، به نظر بعضی از مورخان متاخر داستان ازدواج خسرو با مریم افسانه ای بیش نیست، (فرای ۱۳۸۷: ۲۶۳). هر چند تقریباً تمام کتب تاریخی کهن که از ساسانیان سخن گفته‌اند به ازدواج مریم با خسرو اشاره کرده‌اند.

نولده که می‌گوید ممکن نیست که خسرو در سال سوم سلطنتش با مریم دختر قیصر روم ازدواج کرده باشد، زیرا در این صورت قابل تصور نیست که در نامه ارسالی به یکی از امکنه مقدس امپراطوری روم فقط از شیرین به عنوان همسر خسرو نام ببرند (نولده، ۱۳۸۸: ۳۰۵). او همچنین اضافه می‌کند پس باید گمان کنیم که بعدها مریم را پادشاه روم به خسرو داده است، اما روایات غربی و یونانی نامی از مریم نمی‌برند (همانجا). این محقق به همین دو دلیل بسنده نمی‌کند و دلیل سومی هم بوجود نداشتن مریم ذکر می‌کند. نولده که از دینوری روایت می‌کند که هرمرزان معروف خال (دایی) شیرویه است و اگر این را بپذیریم، با این روایت که مادر شیرویه رومی است منافات دارد. (همان، ۳۰۶ و ۳۰۵). و از سوی دیگر آنچنان که قبلاً اشاره شد برخی معتقدند آشنایی خسرو با شیرین در روم بوده است (جمال زاده، ۱۳۷۲: ۳۹۹). همچنین نولده که می‌گوید در داستان آمدن مریم از روم، مریم با شیرین اشتباه گرفته شده است (نولده، ۱۳۸۸: ۳۰۵). بنابراین به نظر می‌رسد که روایت‌های مریم و شیرین با هم خلط شده است، احتمالاً هر دو یک نفر هستند. چون هر دو مسیحی و در برخی متون هر دو رومی دانسته شده‌اند، بنابراین ممکن است مریم را بر اساس ابعاد شخصیت شیرین در داستان ساخته باشند.

شباهت شیرین به ویس و مریم محدود نمی‌شود. شکر اصفهانی نیز دارای مشابهت‌هایی با شیرین است. استاد زرین کوب معتقد است که شکر تصویری از سابقه شیرین در ماخذ فردوسی است (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۹۸). او همچنین اشاره می‌کند که از قصه خسرو با شکر در روایات کهن نشانه ای نیست و این داستان جعلی به نظر می‌رسد (همان: ۱۰۵). زرین کوب برای اثبات گفته‌هایش دلیل قانع کننده ای به دست می‌دهد، او می‌گوید ما فروخی در کتاب محاسن اصفهان آورده است که شیرین زنی زیبا بود و خسرو او را مخفیانه به اصفهان می‌آورد و با او نرد عشق می‌باخت (همان: ۱۰۶). پس منطقی به نظر می‌رسد اگر شکر را همچون مریم بعدی از ابعاد شخصیت شیرین بدانیم، هر چند داستان شکر در روایت نظامی بی شباهت به داستان گل در ویس و رامین نیست.

### ۴- اتهام قتل به شیرین

اگر شخصیت مریم را ساختگی بدانیم، می‌توان شیرین را از اتهام قتلی که در شاهنامه در مورد قتل مریم علیه او مطرح شده، تبرئه کرد. اما باز هم بار گناه کاملاً از دوش شیرین برداشته نمی‌شود. نولده که می‌گوید: به گفته ثئوفانوس شیرویه از زهری که شیرین به او داد مردو فردوسی نیز می‌گوید او را زهر دادند (نولده، ۱۳۸۸: ۴۰۳). اما از سوی دیگر روایت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مرگ شیرین قبل از شیرویه بوده است. برای مثال بلعمی مرگ شیرین را حتی قبل از خسرو دانسته است (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۱۷۴). آنچنان که نظامی می‌گوید مرگ شیرین در مقابل پیشنهاد شنیع شیرویه بوده است و مرگ او را مسلماً قبل از شیرویه ذکر می‌کند. این موضوع محدود به گفته‌های نظامی نیست و روایت‌های زیادی این داستان را تایید می‌کند. جاحظ و فردوسی نیز مرگ شیرین را قبل از شیرویه دانسته‌اند.

جاحظ در کتاب المحاسن والاضداد آنجا که از محاسن وفا یاد می‌کند از نوع مردن شیرین یاد کرده است «ومعها خاتم وفیه سم ساعه ففترته فی فیها وعانقت قبر زوجها فماتت (جاحظ، بی تا: ۲۹۲). یعنی آن زن (شیرین) یک انگشتی که حاوی زهر بود به همراه داشت. آن را در دهان خود پخش کرد (خورد) سپس قبر همسرش را در آغوش گرفت و مرد. این مرگ پس از درخواست شیرویه اتفاق می‌افتد، و همچنین اوتیکیوس مورخ رومی علت مرگ شیرویه را بیماری طاعون ذکر می‌کند (مشکور، ۱۳۶۷: ۱۱۹۳). بنابراین شاید بتوان شیرین را از اتهام قتل شیرویه نیز تبرئه کرد.

### نتیجه‌گیری

آنچنان که گذشت شیرین شخصیتی کاملاً تاریخی است، اما تمام زوایای تاریخی شخصیت او شناخته شده نیست. به طوری که حتی در مورد اصالت و زادگاهش روایات متناقضی وجود دارد که مورخان را به حدس و گمان وا داشته است. با بررسی متون تاریخی می‌توان دریافت که جزئیات زندگی شیرین از جمله نوع آشنایی او با خسرو، مشخص نیست و نمی‌توان بر اساس روایات عامیانه موجود در این زمینه حکمی صادر کرد. اما در میان روایات تاریخی می‌توان به مطالب جدیدی از جمله مشابهت او با برخی شخصیت‌های داستانی و تاریخی چون مریم پی برد که تا کنون محققان کمتر به آن پرداخته‌اند و بر اساس شواهد موجود به نظر می‌رسد که باید شیرین و مریم را یک نفر بدانیم. شیرین بنا بر برخی روایات قاتل شیرویه و مریم دانسته شده است. اما با بررسی تمام روایت‌هایی که در این زمینه وجود دارد و نگاهی بی‌طرفانه به حکومت مذهبی ساسانیان، می‌توان به این نتیجه رسید که شیرین به علت مسیحی بودنش در مظان چنین اتهامات بی‌پایه ای قرار گرفته است.

### فهرست منابع:

- ۱- ابن نباته، جمال الدین: (۱۴۱۹ق)، شرح العیون، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم بیروت، المكتبة العصریه (شرکت انشاء شریف انصاری)
- ۲- ابوالفداء: (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳- احمدنژاد، کامل: (۱۳۶۹)، تحلیل آثار نظامی، تهران، علمی
- ۴- برتلس: (بی تا) نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، ترجمه ح. صدیق، پیوند
- ۵- بلعمی، محمدبن محمد: (۱۳۵۳) تاریخ بلعمی، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، ج ۲، چاپ دوم، زوار
- ۶- تفضلی، احمد: (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، تهران، سخن
- ۷- ثروت، منصور: (۱۳۷۰)، گنجینه حکمت در آثار نظامی، تهران، امیرکبیر.
- ۸- ثروتیان، بهروز: (۱۳۷۶)، اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای، تهران، آیدین
- ۹- ثعالی، عبدالملک: (۱۳۶۸)، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، ترجمه محمدفضالی، تهران، قطره
- ۱۰- جاحظ، عمر بن بحر: (بی تا)، المحاسن والاضداد، تحقیق علی فاعور، احمدرمال، حسین نورالدین، بیروت، دارالهادی
- ۱۱- دریایی، تورج: (۱۳۸۲)، تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، ققنوس
- ۱۲- .....: (۱۳۸۳)، سقوط ساسانیان، ترجمه منصور اتحادیه- فرحناز امیرخانی حسینک لو، تهران، نشر تاریخ
- ۱۳- دینوری، احمد ابن داوود: (۱۳۸۶)، اخبار الطوال، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، چاپ هفتم، تهران، نشر نی
- ۱۴- زرین کوب، عبدالحسین: (۱۳۸۶) پیرگنجه در جست و جوی ناکجاآباد، چاپ هفتم، سخن
- ۱۵- طبری، محمدبن جریر: (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، چاپ پنجم، اساطیر.
- ۱۶- طوسی، محمد: (۱۳۸۲)، عجایب المخلوقات، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم، علمی و فرهنگی
- ۱۷- غلامرضایی، محمد: (۱۳۷۰)، داستان‌های غنایی منظوم، تهران، فردابه
- ۱۸- نولدکه، تئودور: (۱۳۸۸)، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، چاپ سوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۹- فردوسی، ابوالقاسم: (۱۳۸۶) شاهنامه، براساس نسخه چاپ مسکو، پیمان
- ۲۰- کریستن سن، آرتور: (۱۳۸۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی چاپ سوم، نگاه
- ۲۱- گردیزی، ابوسعید عبدالحی: (۱۳۸۴)، زین الاخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۲- فرای: (۱۳۸۷)، تاریخ کیمبرج (بخش چهارم، ساسانیان) گردآورنده احسان یارشاطر، ج ۳، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- ۲۳- مجمل‌التواریخ والقصص: (بی تا) به تصحیح ملک الشعراى بهار، به همت رضائی، چاپ دوم، کلاله خاور.

۲۴- مشکور، محمدجواد: (۱۳۶۷)، *تاریخ سیاسی ساسانیان*، بخش دوم، ج ۵، ناشر دنیای کتاب

۲۵- یوسفی، غلامحسین: (۱۳۶۹)، *چشمه روشن*، تهران، علمی

#### مقالات

- ۱- جوادی، شهره: (۱۳۸۵)، *سنگ نگاره خسرو پرویز در طاق بستان*، مجله باغ نظر، دانشگاه تهران، صص ۴۹-۶۱
- ۲- جمال زاده، سید محمدعلی: (۱۳۷۲) *مطالبی درباره حکیم نظامی*، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی نظامی، به اهتمام و ویرایش دکتر منصور ثروت، ج ۱، انتشارات دانشگاه تبریز

#### Abstract

Shirin is certainly a historical figure. But researchers haven't addressed to all aspects of her historical character. Iranian and Arab historians don't have much good standpoint of her, considering her as cheap maid or killer of Shiroyeh. But according to the newly found evidences, it is clear that she was one of the most important Khosroparviz's wives. It seems that historians that were close to the Sasanian period didn't have a positive attitude of her due to her Christianity. At the same time, studies of recent researchers have shown that a character named Mary, daughter of King of Rome, isn't historical and Mary is probably one of aspects of Shirin's character and it seems that historical narrations of these two persons have been mixed. Relying on historical text, we want to look first at gentry, religion, and birthplace of Shirin and then analyze and examine the kind of familiarity of Shirin with Khosro and her similarities with other story characters.

**Key words:** Birthplace of Shirin, Gentry of Shirin, Roman Mary and Shekar Esfahani

دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)